

درمقابل، برخی دیگر از شعب معتقدند مدیرعامل شرکت تجاری به واسطه فعالیت خود در مقام مدیرعامل، تاجر به شمار می‌آید. بنابراین، دادخواست اعسار از وی پذیرفته نمی‌شود.^۱ براساس این دیدگاه، راه اثبات اعسار چنین شخصی، طرح دعوی ورشکستگی است.

• وحدت رویه قضایی در خصوص «حدود اختیار مدیرعامل شرکت در طرح دعوا»

در مورد حق طرح دعوا و دفاع در مقابل آن، گاهی در اساسنامه شرکت‌ها صراحتاً این امر به عنوان اختیارات هیأت مدیره تعیین می‌شود. در این فرض، مدیرعامل فاقد اختیار است مگر آنکه چنین اختیاری توسط هیأت مدیره به وی، اعطاء و این موضوع در روزنامه رسمی نیز منتشر شده باشد، لذا طرح دعوا یا دفاع صورت گرفته توسط مدیرعامل برخلاف اساسنامه شرکت بوده و صحیح نیست.^۲ این وجود، به نظر یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر استان تهران، و طبق آگهی روزنامه رسمی شرکت اگر مدیرعامل شخصاً در امضای اسناد و اوراق غیر تعهدآور ذی حق باشد تقدیم دادخواست، در زمره اسناد تعهدآور نبوده و تنها مدیرعامل است که به عنوان مسئول اجرایی و نماینده قانونی شرکت، از صلاحیت تقدیم آن برخوردار می‌باشد.^۳

• وحدت رویه قضایی در خصوص «اثر عدم ثبت انتقال سهام با نام در دفتر ثبت سهام شرکت سهامی خاص»

براساس ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت، انتقال سهام با نام در شرکت‌های سهامی خاص باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت رسد. عدم رعایت این تکلیف قانونی، تأثیری در صحت واگذاری و اصل و ماهیت نقل و انتقال سهام و روابط میان طرفین ندارد^۴ در غیر این صورت بنا به اعتقاد برخی شعب، چنین نقل و

گزارش وحدت و تهاافت رویه قضایی در امور تجاری (سال ۱۳۹۲) - قسمت اول

تهیه و تنظیم: پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی

• تهاافت رویه قضایی در خصوص «دعوی اعسار از سوی مدیرعامل شرکت تجاری»

پرونده‌هایی که دعوی اعسار (از پرداخت هزینه دادرسی یا محکوم‌به) از ناحیه مدیرعامل شرکت‌های تجاری طرح شده، یکی از دلایل اختلاف نظر میان محاکم تجدیدنظر استان تهران گشته است؛ بنا به اعتقاد برخی محاکم، مدیرعامل شرکت تجاری، «تاجر» به شمار نمی‌آید زیرا قانونگذار عملیات تجاری را به عهده شرکت گذارده بی‌آنکه این عملیات و اقدامات تجاری، تأثیری در کارگزاران شرکت، مدیرعامل یا اعضاء آن داشته باشد. بنابراین، مدیرعامل شرکت تجاری، مجاز به تقدیم دادخواست اعسار می‌باشد.^۱ طبق نظر این دسته از محاکم بدیهی است که صرف مدیرعاملی شرکت تجاری، فرد را در رده تاجر قرار نمی‌دهد و گرنه ممکن است مدیرعامل یک شرکت تجاری به اعتبار فعالیتی که خارج از چارچوب مدیرعاملی شرکت تجاری انجام می‌دهد، تاجر قلمداد گردد. تاجر تلقی نشدن مدیرعامل شرکت‌های تجاری به واسطه سمت مدیرعاملی، دستمایه استدلال برخی دیگر از شعب نیز شده است تا با استناد به آن، دعوی ورشکستگی چنین شخصی هم رد شود؛^۲ چراکه در دعوی ورشکستگی، دادگاه ابتدا باید تاجر بودن شخص مورد نظر را احراز نماید.

۱. رأی شماره ۰۷۰۵۰۲۶۹۵۰۲۶۹۷۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۸ شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۰۱۳۶۸۰۱۰۳۶۸۰۲۲۰۱۰۳۶۸۰۲۲۰۱۰۳۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۰۷۱۷۰۲۳۸۰۰۰۲۳۸۰۰۰۲۳۸ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۰۱۳۶۰۰۱۳۶۰۰۲۲۱۵۰۲۲۱۵۰۲۲۱۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۴. رأی شماره ۰۱۰۵۸۰۱۰۵۸۰۲۲۱۰۰۱۰۵۸ مورخ ۱۳۹۲/۸/۸ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. رأی شماره ۰۸۳۵۰۰۸۳۵۰۲۶۹۴۰۰۸۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳ شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۰۲۲۳۰۰۲۲۳۰۲۶۹۷۲۱۳۰۵۰۰۲۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ شعبه ۶۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۰۷۷۶۰۰۷۷۶۰۲۶۹۵۰۰۷۷۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران



انتقالی در مقابل شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست.^۱ هر چند ممکن است تهاافت و در عین حال تعارض این دو نظر، در ظاهر باشد و نظریه عدم قابلیت استناد در مقابل اشخاص ثالث، هیچ‌گونه منافاتی با صحت قرارداد و اگذاری سهام بین طرفین ندارد.

• وحدت رویه قضایی در خصوص «شیوه ظهرنویسی چک توسط شرکت»

ظهرنویسی سند تجاری مستلزم امضای ظهر سند تجاری است. در موردی که ظهرنویسی توسط شرکت صورت می‌گیرد باید پشت سند تجاری، منقوش به امضای دارنده (گان) امضای مجاز شرکت شود. بنابراین، صرف مهر شرکت، بدون انضمام امضای نماینده قانونی شرکت موجب انتقال چک نمی‌گردد و نمی‌توان در زمره ظهرنویسی نام برد.^۲ این رویه مبتنی بر این استدلال است که ابزار اصلی ابراز اراده مکتوب اشخاص، «امضاء» می‌باشد در حالی که مهر از داشتن چنین ویژگی‌ای مبراست.

• وحدت رویه قضایی در خصوص «شیوه طرح دعوا علیه شرکت‌های منحل شده»

از ویژگی‌ای که شرکت‌های منحل شده متصف بدان هستند اینکه یا در حال تصفیه‌اند یا عملیات تصفیه آن‌ها پایان یافته است. اگر شرکت در حال تصفیه باشد طرح دعوا علیه مدیر تصفیه و جاهت نداشته و شرکت تجاری منحل (در حال تصفیه) می‌باید طرف دعوا قرار گیرد.^۳ البته باید توجه داشت در دادخواست به طرفیت این دسته از شرکت‌ها باید پس از نام شرکت، عبارت «در حال تصفیه» قید شود و گرنه دعوی، قابلیت استماع ندارد.^۴

اما در مورد شرکت‌های منحل‌های که عملیات تصفیه آن‌ها خاتمه یافته است، طرح دعوی علیه شرکت موضوعیت نداشته و مدیر یا مدیران تصفیه باید طرف دعوی واقع شوند^۵ چراکه شخصیت حقوقی شرکت به‌طور کامل از میان رفته است.

۱. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۵۱۹ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۶ شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۱۲۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۹۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۰۱۰۰۱۴۱۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ شعبه ۵۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۴. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۷۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۸ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۵. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۰۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۱ شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۱۳۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۱ شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

• تهاافت رویه قضایی در خصوص «قابلیت استماع دعوی مطالبه سود

سهام علی‌رغم عدم تشکیل یا تصویب مجمع عمومی»

در مورد این موضوع که آیا قبل از تصویب مجمع عمومی مطالبه سود از شرکت قابلیت استماع دارد یا خیر، میان رویه محاکم تجدیدنظر استان تهران تهاافت هست:

به نظر برخی از محاکم، تقسیم سود سهم‌الشرکه شرکت، موکول به تشکیل مجمع عمومی عادی است و الزام به پرداخت سود قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی در اختیار دادگاه نبوده، لذا دعوی تقسیم سود از دادگاه، غیرقابل استماع است. بنابراین، خواهان در چنین دعوایی باید مستندات حاکمی از تشکیل جلسه مجمع عمومی و تصویب تقسیم سود ارائه دهد.^۱

اما طبق نظر دیگر محاکم، هیأت‌مدیره شرکت‌های سهامی، مکلف به تقسیم سود قابل تقاسم میان سهامداران پس از انقضای سال مالی هستند و چنانچه به تکلیف خود عمل نکنند می‌توان الزام به انجام این تکلیف را از دادگاه درخواست نمود.^۲

• وحدت رویه قضایی در خصوص «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت»

با وجود استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقیقی اعضا و مدیران آن، هرگاه محرز شود که اقدامات شرکت فی‌الواقع تحت سیطره مؤثر شخص حقیقی است، دادگاه می‌تواند شخصیت حقوقی شرکت را نادیده انگاشته، تعهد ایجاد شده را منتسب به اصیل واقعی کرده، وی را در برابر متعهدله مسئول بشناسد. با توجه به لزوم جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و جلوگیری از سوءاستفاده از حق، استناد به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت نمی‌تواند مستمسکی برای برائت ذمه و رفع مسئولیت از اصیل واقعی باشد.^۳

۱. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۰۵۰ مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۸ شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۷۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۸ شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۷۱۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

• تهاافت رویه قضایی در خصوص «ضمانت اجرای عدم درج تاریخ صدور در چک»

قانون تجارت، برای صدور چک شرایطی در نظر گرفته است که از جمله آنها می توان به «درج تاریخ صدور چک» اشاره کرد. اگر صادرکننده، این شرط قانون مزبور را اجابت نکرده باشد (صدور چک بدون تاریخ) منجر به اختلاف نظر در مورد ضمانت اجرای آن میان محاکم می گردد:

برخی از شعب معتقدند چنانچه چک، بدون تاریخ صادر و تسلیم دارنده شود به طور ضمنی وکالت درج تاریخ، به وی داده شده است، زیرا اذن در شیء، اذن در لوازم آن هم می باشد.^۱ بنابراین، اثبات بدون تاریخ یا سفیدامضاء بودن چک در هنگام صدور و تکمیل آن توسط دارنده، ملازمه ای با بی اعتباری سند ندارد.^۲

در مقابل، برخی دیگر از شعب برخلاف نظر فوق بر این باورند که صدور چک به صورت سفیدامضاء و بدون قید تاریخ و پر کردن موخر آن توسط دارنده، با توجه به لزوم درج کامل مندرجات الزامی سند تجاری در لحظه صدور، سبب سلب امتیازات قانون تجارت از چک موصوف می گردد.^۳

• تهاافت رویه قضایی در خصوص «آثار خط زدن عبارت «به حواله کرد» توسط صادرکننده چک»

عقیده برخی از محاکم تجدیدنظر استان تهران بر این امر استوار است که اگر عبارت «به حواله کرد»، توسط صادرکننده از روی چک خط زده شود واجد دو اثر خواهد بود:

۱. دارنده اولیه، در ظهورنویسی و انتقال آن به دیگری، ذی حق نخواهد بود زیرا شخصیت دارنده چک ظاهراً برای صادرکننده آن حائز اهمیت بوده است. بنابراین، دعوای مطالبه چنین چکی از سوی منتقل آلیه قابل استماع نیست.^۴

۱. رأی شماره ۱۵۹۶/۲۶۹۵۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲. رأی شماره ۰۵۵۲/۲۶۹۵۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۷ شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۳. رأی شماره ۰۱۴۶۱/۲۲۰۴۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۴. رأی شماره ۰۰۵۶/۲۲۴۳۰۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۳/۳۱ شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۱۲۵۴/۲۲۲۸۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. منتقل آلیه نیز دارنده با حسن نیت تشخیص داده نمی شود و نمی تواند با استناد به اصل «عدم قابلیت استناد به ایرادات»، وجه چک را خارج از شرایط تعیین شده قرارداد مینا، برای وصول چک از صادرکنندگان مطالبه کند.^۱ اما برخی دیگر از شعب، مخالف این رویه بوده و معتقدند چک، سندی است تجاری که با ظهورنویسی به دیگری منتقل می گردد. بنابراین، خط خوردن عبارت «حواله کرد» در متن چک نه می تواند وصف انتقال پذیری را از چک سلب نماید و نه قادر است کاشف از اراده صادرکننده و دارنده اولیه چک بر منع انتقال چک به ثالث باشد.^۲

• تهاافت رویه قضایی در خصوص «آثار واخواست نکردن سفته توسط دارنده»

چنانچه سفته های مستند دعوی از سوی دارنده آن ها در مهلت قانونی واخواست نشده باشد این سفته ها در حد یک سند عادی تعهدآور تلقی می شود و فاقد امتیازات و ویژگی های اسناد تجاری است، به همین علت دو اثر مهم اسناد تجاری (مسئولیت تضامنی صاحبان امضاء و امکان صدور قرار تأمین خواسته بدون ایداع خسارت احتمالی از آن ها) زایل می گردد.^۳ فلذا صرف واخواست نشدن سفته موجبی برای صدور قرار عدم استماع دعوی نیست.

• رویه قضائی در مورد «اثر عدم تنظیم سفته مطابق با شرایط قانون تجارت»

در ماده ۳۰۷ قانون تجارت برای صدور سفته شرایطی تعیین شده است که صادرکننده طبق این شرایط باید مندرجات خاصی را در آن (سفته) قید کند. در صورت عدم رعایت تمام یا برخی از این شروط و یا حتی به علت فقد بخشی از این مندرجات، به یقین دارای اثر و ضمانت اجرایی است به طوری که شعب دادگاه تجدیدنظر استان تهران در این باره اختلاف نظر دارند:

مطابق رأی برخی شعب، اگر متن سفته وفق قانون تجارت تنظیم نشده باشد وجه آن قابل مطالبه نیست.^۴ چنین سندی را حتی به عنوان یک سند مدنی نیز

۱. رأی شماره ۰۱۴۹/۲۲۱۳۰۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۲ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲. رأی شماره ۰۱۴۱۲/۲۲۰۶۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۳. رأی شماره ۰۱۶۷۰/۲۲۲۵۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۰۴۳۸/۲۲۲۵۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۰ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۴. رأی شماره ۰۱۶۹۲/۲۲۱۰۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۶ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۱۸۱۷/۲۲۵۰۹۲۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

شرایط مذکور در مواد ۳۱۵ و ۲۸۶ قانون تجارت از جمله مواعد مربوطه، در مورد دعوی، علیه ضامن جاری نیست.^۱

در مقابل، رأی صادره از دیگر شعب، بیانگر این موضوع می‌باشد که هم امضای ظهر اسناد تجاری، ظهور در انتقال دارد و هم ضمانت، نیازمند تصریح است کما اینکه ضمانت، خلاف اصل است.^۲

نمی‌توان قلمداد نمود، زیرا زمانی سفته به‌عنوان سند عادی ذمه‌آور به‌شمار خواهد آمد که از نظر شکلی به‌طور صحیح تنظیم و صادر شده باشد و صرفاً در مواعد قانونی مورد واخواست یا طرح و اقامه دعوی قرار نگرفته باشد و گرنه با وجود نواقص شکلی قانونی به‌عنوان یک سند عادی تعهدآور نیز تلقی نخواهد شد.^۱

در مقابل، براساس رأی صادره از شعب دیگر، عدم رعایت شرایط قانون تجارت در مطالبه سفته، آن را از اعتبار ساقط نمی‌کند و سفته همچنان به‌عنوان یک سند عادی غیرتجاری قابل مطالبه است. بنابراین، نادیده انگاشتن شرایط مندرج در قانون تجارت صرفاً آن را از عداد اسناد تجاری خارج می‌سازد لیکن مانعی برای مطالبه وجه آن محسوب نمی‌گردد.^۲

• وحدت رویه قضایی در خصوص «شرط مطالبه چک صادرشده بابت تضمین تعهدات»

هرگاه عبارت «بابت تضمین قرارداد فی‌مابین» در متن چک قید شده باشد مطالبه وجه آن، مستلزم احراز و اثبات تخلف صادرکننده چک از قرارداد مذکور است و ارائه دلیل در این قسمت بر عهده مدعی می‌باشد.^۳ بنابراین تا قبل از اثبات تخلف متعهد از تعهد قراردادی خود، دعوای مطالبه چنین چکی قابلیت استماع ندارد.^۴

• تهاافت رویه قضایی در خصوص «دلالت امضاء ظهر سند تجاری»

با توجه به تفاوت در حدود مسئولیت اشخاص امضاءکننده در اسناد تجاری، تعیین اینکه امضاء صورت‌گرفته به چه عنوان انجام شده است واجد آثار حقوقی است. همانا امضای بدون ذکر عنوان در پشت سند تجاری، و نیز دلالت آن، موجبات اختلاف نظر میان محاکم گشته است:

برخی از آراء صادره متضمن این معناست که صرف امضای ظهر چک، عرفاً دلالت و ظهور در ضمانت در پرداخت وجه چک داشته و در صورتی ظهرنویسی تلقی می‌شود که صراحتاً موضوع ظهرنویسی در ظهر چک قید گردد، لذا مواعد و

۱. رأی شماره ۱۷۲۳۰۱۷۲۳۵۰۲۲۲۵۰۹۹۷۰۲۲۲۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲. رأی شماره ۱۱۴۵۰۱۱۴۵۰۲۲۰۶۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۳. رأی شماره ۰۸۴۱۰۲۲۱۶۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۷ شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۴. رأی شماره ۱۳۹۷۰۱۳۹۷۰۲۲۳۵۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. رأی شماره ۰۶۹۱۰۲۶۹۴۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۲۸۶۰۲۲۱۳۰۰۲۲۱۳۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۷ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۰۷۵۰۲۲۳۳۰۰۲۲۳۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۳۱ شعبه ۳۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲. رأی شماره ۰۱۰۶۵۸۰۲۷۰۱۰۶۵۸۰ مورخ ۱۳۹۱/۶/۴ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران